

# کوکو دستون

مسعود شهبازي



سرشناسنامه: شهیازلی، مسعود ۱۳۳۶ -  
 عنوان و پدیدآور: کوکو دستون . مسعود شهیازلی.  
 مشخصات نشر: رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۵.  
 مشخصات ظاهری: ۸۳ ص.  
 شابک: ۷ - ۴۶۸ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸  
 یادداشت: کتابنامه.  
 موضوع: کتابنامه.  
 موضوع: شعر تالشی -- قرن ۱۴.  
 Taleshi poetry -- 20<sup>th</sup> century: موضوع  
 موضوع: شعر تالشی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده به فارسی  
 Taleshi poetry -- 20<sup>th</sup> century -- translations into persian: موضوع  
 رده‌بندی کنگره: ۹ ۱۳۹۵ ش ۷۴۳ / ت ۲۳۴۲ PIR  
 رده‌بندی دیویی: فا ۴۱۸ / ۹  
 شماره کتابخانه ملی: ۴۳۴۳۰۵۶

مجموعه فرهنگ و ادب تالشی / ۶

گردآوری، ویرایش و آماده ساز: فرهاد سکنده تالشی



فرهنگ ایلیا

- کوکو دستون
- مسعود شهیازلی
- چاپ نخست: ۱۳۹۶
- شمارگان: هزار نسخه
- شماره نشر: ۶۰۳
- صفحه‌آرایی: وحید باقری
- همه‌ی حقوق این کتاب محفوظ است.
- شابک: ۷ - ۴۶۸ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸
- نشر فرهنگ ایلیا؛ رشت، خ آزادگان، جنب دبیرستان بهشتی، خ صفایی، خ حاتم، شماره ۴۹
- تلفن: ۳۳۳۴۴۷۲۲ ۳۳۳۴۴۷۲۲ ۰۱۳ • دورنگار: ۳۳۳۲۱۸۲۸ ۰۱۳

Email: nashreilia@yahoo.com

www.farhangeilia.ir

|    |                           |
|----|---------------------------|
| ۷  | یادداشت حوزه‌ی هنری گیلان |
| ۹  | راهنمای حروف آوانویسی     |
| ۱۱ | یادداشت شاعر              |
| ۱۳ | مقدمه                     |
| ۱۷ | کوکو دستون                |
| ۴۵ | عاشقه دل                  |
| ۵۹ | بهشته تالش                |
| ۷۱ | نمایه الفبایی دوبیتی‌ها   |

## یادداشت حوزه‌ی هنری گیلان

برخی از شاعران به واسطه‌ی ویژگی‌های شعرشان، این اقبال را می‌یابند که با مردم زادگاه خود درآمیزند و شعرشان آینه‌ی غم‌ها، شادی‌ها و آرزوهای زنان و مردان آن دیار باشد. در شهبازلی از جمله شاعران تالش‌زبان است که آثارش زندگی مردم تالش را در خود منعکس کرده‌است. او گاه با نگاهی آمیخته به طنز و گاه به جد، مضامین مختلف از طبیعت و زندگی مردم تالش را به شعر مبدل کرده‌است. «کوکودستون» مجموعه‌ی است از دوبیتی‌های تالشی از این شاعر که در آن، وی علاوه بر به‌کارگیری بسیاری از واژگان اصیل تالشی، کوشیده است زبان شعری نزدیک به «دستون‌های» فولکلور تالش را بگزیند تا ارتباط صمیمی‌تری با مردم منطقه برقرار کند.

در بخشی از این شعرهای کوتاه، پرنده‌ای به نام «وکو» حضور دارد که دارای نقش‌های متفاوتی است. پرنده‌ای که شخصیتش بر آن «از یک افسانه‌ی فولکلوریک است. نکته‌ی قابل توجه این است که شاعر برای پرنده مذکور، «ایگاه متعددی را در نظر گرفته تا بتواند از زوایای مختلف به آن نگاه کند. کوک، گاهی راوی شعر است؛ گاهی معشوق و منظور شاعر و گاهی همان پرنده‌ی معروف است. از نظر محتوایی نیز این مجموعه متشکل از فضایی عاشقانه، عارفانه و طبیعت‌گراست. سادگی و زلالی شعرهای کوتاه این دفتر قطعاً برای مخاطبانی که با زبان شاعر آشنا باشند سرشار از لطف خواهد بود.

حوزه هنری گیلان «کوکودستون»‌های این مجموعه را به تالش‌زبانان تقدیم

می‌کند.

### یادداشت شاعر

سپاس و تشکر ویژه از دوست ارجمند و هنرمند جناب آرمین فریدی که زحمت به سامان رساندن این مجموعه را به دوش گرفتند. درودی به زیبایی بهاران سرزمین تالش ارزانی شان، و به تشکر از حوزه هنری گیلان، این دفتر که محصول قلمی شکسته است به روان‌های جاودانه‌ی پدر بزرگوaram و مادر مهربانم تقدیم می‌کنم که پسوندهای شعور و شعرهایم بوده‌اند، آشکار است که این دفتر قایقی کوچک در اقیانوس ادب ایشان است که جاودانه در وجود من جاری‌ست.

مسعود شهبازی (کوکو)

بهار ۱۳۹۵

## مقدمه

«فقر بنده‌لی» کیست؟ این نام را نخستین بار از کجا شنیده‌ایم؟ بی‌شک از زبان مردم! و این راز مردم مسعود شهبازلی است.

شهبازلی، وقتی نیم و کاغذ در اختیارش بود منظومه‌ی «ام چهل‌ساله ۷۵» را به درون مردم برد؛ وقتی ضبط و کاست ابزارکارش بود منظومه‌ی «فقره بنده‌لی» را، وقتی دوربین فیلم‌برداری، مستند «دنیای تالش» را، «فقره بنده‌لی» نامی نیست که مسعود شهبازلی برای خود برگزیده باشد بلکه اسم قهرمان داستان منظومی است که او سراینده‌اش بوده و مردم همین نام را برای او برگزیدند و این نشان افتخار و بهترین مدال پیروزی است که یک شاعر می‌تواند بر سینه‌ی خود ببیند.

شهبازلی با داستان منظوم «فقره بنده‌لی» ساعت، آروغ و ذهن تالشان را نوازش داد و آینه‌ای ساخت که نمایانگر ظاهر و باطن زندگی آنها در این منطقه بوده است. نمی‌توان شعر شهبازلی را، طنزش را و خودش را از مردم و سرز و نشیب زندگی شان جدا کرد. او شاعری است که عمری با مردم زیسته، با نضای بازارشان وازه‌ای کاشته و با دروی تابستانه‌ی آن‌ها شعری درو کرده است؛ با خشک‌سالی‌ها، لیخندی ترک‌زده بر چهره‌ی طنز نقش کرده و با شادمانی عروسی، بر سرنای منظومه‌ای دمیده است. مستند «دنیای تالش» او دریچه‌ای بود برای تماشای زیبایی‌های طبیعت تالش و آیین‌های آن؛ شاید خلق این اثر هنوز هم از همان اهمیت روز اول برخوردار باشد، چرا که هنوز پس از سال‌ها، هیچ اثر تصویری این چنین گسترده به بیلاقات تالش نپرداخته است؛ دنیای تالش، خود دنیایی تازه

برای تالشان آفرید، دنیایی که در آن شعر، موسیقی، طبیعت و آیین‌ها را یک‌جا می‌توان دید. این اثر در مقطعی تاریخی شکل گرفت، زمانی که موج مدرنیته می‌آمد تا کوه‌های تالش را از یاد مردم تالش ببرد. مسعود شهبازلی آینه‌ای ساخت که هر کس در آن ماوای خود را می‌دید و یک تنه صدا و سیمایی شد برای تالش! در این اثر که تنها خدا می‌داند با چه زحمتی شکل گرفته، اتفاقات جدید دیگری نیز فراتر از حوزه‌ی بصری افتاد و آن معرفی چند خواننده‌ی تالش، نوعی از موسیقی پاپ تالشی (ساخته فریدون امیررضوانی)، دکلمه‌ی شعر تالشی روی تصاویر و تئاتری کم‌نظیر از «آله»ی تالشی است که هر کدام اثرات دامنه‌داری با خود داشته‌اند. به طور مثال خواننده‌ای مثل سهراب ظهیری از دل آثار مسعود شهبازلی برآمده معرفی شد و البته با استعداد و تلاش خود به هنرمندی صاحب اثر در موسیقی تالش تبدیل شد. قطعات کم‌نظیری هدایت پورجوادی و محمد صفری که در «دنیای تالش» شنیده شد، راهنما و منبعی برای پژوهشگران بعدی، در بیشه‌ی بکر فولکلور تالش شد.

اثر مذکور چنان مهم است که حتی با وجود شبکه‌ای همچون «نشال جغرافی» و ارائه مستندات گسترده‌ی آن، باز هم احساس می‌شود که در سال ۱۳۷۴ توسط مسعود شهبازلی با عشق و تحمل مرارت به شرر رسیده‌کاسته نشد و جا دارد از فیلم‌بردار و عکاس دلسوز این اثر یعنی ناصر ریاضی هم یاد شود.

اما در دنیای شعر دو شهبازلی شاعر داریم: یکی پهلوان و بان طنز «فقره بنده‌لی» و یکی «کوکو»ی عاشق و ظریف دنیای «دستون»ها.

اثر پیش رو مجموعه‌ی دوبیتی‌ها یا دستون‌های تالشی مسعود شهبازلی است که توسط نگارنده به فارسی ترجمه و سعی شده ضمن وفاداری به معانی دوبیتی‌ها، حتی المقدور ترجمه‌ها نیز شاعرانه باشد.

در دستون‌های تالشی شهبازلی نه از آن نگاه طنز و موشکافانه در طنزهایش به اجتماع و زندگی قوم تالش خبری است و نه از نمایش آیین‌ها و... دستون‌ها

حاصل کنج خلوت مسعود شهبازلی اند؛ خلوتی که او در آن همچون پرنده‌ی تنهای ادبیات تالش (کوکو) آواز درونش را زمزمه می‌کند. او کوکویی است عاشق، که از حال دل تالشان سخن می‌گوید. بین اغلب دوییتی‌های شهبازلی با دوییتی‌های ناب فولکلور تالشی مرزی نیست. شاید آنها را هم شهبازلی دیگری در زمانی دیگر سروده باشد.

شاید اگر این دوییتی‌ها هم، در این کتاب و نشریه‌ای جمع و با نام شاعر ثبت نمی‌شد، همچون بره‌هایی که غروب به رمه‌ی مادر می‌پیوندند، در سپیده‌ای بر پهنه‌ی دست حافظه‌ی قوم تالش با دستون‌های آبا اجدادی یکی می‌شدند.

«کوکو» اغلب از هر ران و بی‌اعتنایی یار نالان است، گاهی فرهاد است و گاهی مجنون. زنجارش گاه شیرین است و گاهی تلخ، اما او همواره عاشق است.

فضای عاشقانه‌ی این مجموعه در سی و پنج دستون آغازین که نام «کوکو دستون» را بر پیشانی خود دارد، متجلی است. «کوکو» در برخی دوییتی‌ها به مفهوم «ننه» (مادر) آمده است. شهبازلی این دوییتی‌ها را زنجیروار پس از کوچ همیشگی مادرش سروده و با غمی عظیم و حساسی عارفانه لحظات ویژه‌ای را ثبت کرده است. همچون لحظه‌ی کندن و رها کردن این دنیا که به زیباترین شکل در این مصرع ثبت شده است: «کله خندیری ره دین ره آهشته»/ با پوزخند کوچکی دنیا را وانهادی!

در پاره‌ای از دوییتی‌های شهبازلی ویژگی آثار ادبیات کلاسیک ایران هم دیده می‌شود که آمیخته با رنگ و بوی عرفانی و اسطوره‌ای است و شاعر گاهی تا کوی قاف به دیدار سیمرغ می‌رود. در بخشی دیگر با پای «دستون» به قلل سرزمینش تالش سفر می‌کند و در قهوه‌خانه‌ی «مشته بهرام» چای می‌نوشد و با «کیجه پرده» (یکی از مقام‌های سازی تالش) ی‌لکه به پرواز در می‌آید و در کوه‌های وطنش سیر می‌کند.



وقتی این جملات را می‌نوشتم با بال‌های شعر خیال‌انگیز شهبازلی برای لحظاتی به «ورگه‌دره» رفتم و انگار مهمان چای، مهربانی و نی «مشته بهرام» شدم. چه پایانی برای این مقدمه بهتر از آغازین «دستون» این مجموعه:

اسرگی کو چنه جوهر بسازوم

سینه نی چن گله دفتر بسازوم

قَآمی از کیا سرمه دراکنوم

کوکو شعری ترا زیور بسازوم

(از آنک چقدر زهر بسازم

از سینه چنان شراب گیرم؟

قلم را به کدامین سوز، سرده کشم

تا از شعر «کوکو» زیور ترا بسازم؟)

آرمین فریدی هفت خوانی